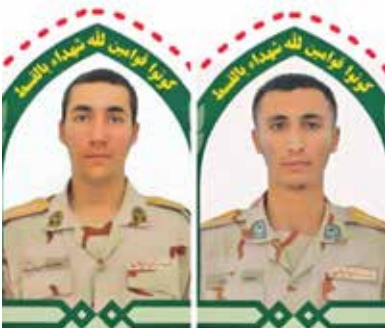




از گوشه و کنار ایران

شهادت دو مرزبان در انفجار مین



دو مرزبان از گروهان مرزی دره نخی هنگ مریوان بر اثر انفجار مین‌های به جا مانده از جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند. به گزارش روابط عمومی مرزبانی کردستان، سردار فرج رستمی فرمانده مرزبانی کردستان اظهار کرد: «ظهر جمعه ۲ تن از مرزبانان گروهان مرزی دره نخی هنگ مریوان

مسمومیت ۲۱ دختر دانشجو در خوابگاه

نشت گاز از موتورخانه خوابگاه دخترانه دانشگاه ایلام باعث مسمومیت ۲۱ دانشجو شد. حمید صفریور رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیر حوادث دانشگاه علوم پزشکی ایلام گفت: «حدود ساعت چهار و نیم صبح شنبه در پی حادثه نشت گاز در موتورخانه یکی از خوابگاه‌های دانشگاه ایلام ۲۱ دانشجو مسموم شدند که هشت نفر از این مددجویان به بیمارستان اعزام و ۱۳ نفر دیگر به صورت سرپایی توسط کارشناسان فوریت‌های پزشکی در محل درمان شدند. از میان هشت نفر منتقل شده به بیمارستان، دو نفر ترخیص شده‌اند و شش نفر دیگر همچنان در بیمارستان رازی ایلام تحت مراقبت‌های درمانی قرار دارند.»

وی با بیان اینکه مسمومیت دانشجویان جزئی بوده و حال عمومی همه آنان مساعد است، افزود: «این حادثه بر اثر خاموش شدن مشعل گاز موتورخانه خوابگاه و نشت گاز از طریق سیستم خنک‌کننده به داخل اتاق‌ها رخ داده است. نیروهای فنی تأسیسات دانشگاه بلافاصله نسبت به سرویس و تعمیر موتورخانه اقدام کردند و مشکلی از لحاظ ایمنی وجود ندارد.»

مرد زندانی به زندگی برگشت

گذشت اولیای دم در شهرستان ترکمن، یک محکوم به قصاص را در چند قدمی اجرای حکم به زندگی دوباره بازگرداند.

حیدر آسبایی رئیس کل دادگستری گلستان گفت: «۲ سال پیش در بندر ترکمن شوخی لفظی دو دوست به فحاشی کشید و نتیجه تلخی رقم زد که در نتیجه آن برادر یکی از این دو نفر که برای ختم مشکل بین آنها ورود کرده بود، بر اثر ضربه چاقو به قتل رسید. پس از این جنایت پرونده تشکیل و به درخواست اولیای دم حکم قصاص صادر شد.»

آسبایی ادامه داد: «پس از طی تشریفات قانونی و تعیین نوبت اجرای حکم، تلاش گروه‌های سازش در شورای حل اختلاف شهرستان آغاز شد و با نشست و پیگیری‌های متعدد در نهایت با پادرمیانی رئیس دادگستری و دادستان شهرستان ترکمن، اولیای دم، از حق شرعی و قانونی خود گذشتند و از اجرای قصاص منصرف شدند.»

قتل برادر در حمایت از پدر

جوانی که با ضربه چاقو اقدام به قتل برادر خود کرده بود با مراجعه به یکی از دوایر پلیس، به جرم خود اعتراف کرد.

سرهنگ «محمد رضا یاری» فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه گفت: «به دنبال وقوع درگیری منجر به فوت مردی ۴۰ ساله در یکی از محلات شهر کرمانشاه، رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت. در حالی که تحقیقات مأموران انتظامی برای روشن شدن موضوع و علت فوت این جوان ادامه داشت، برادر متوفی با حضور در یکی از دوایر پلیس راز مرگ وی را فاش کرد و گفت مقتول با پدرش درگیر شده بود که او در هواخواهی از پدر خود با ضربه چاقو اقدام به قتل برادرش کرده است.»

مرگ راننده در سقوط به دره

سقوط یک دستگاه خودروی وانت پیکان در منطقه فیلگاه از توابع شهرستان کهگیلویه، منجر به سوختن خودرو و مرگ راننده شد.

به گفته شاهدان عینی، این حادثه حوالی ساعت هشت و ۱۵ دقیقه صبح شنبه در محدوده فیلگاه - دره کرده - در شهرستان کهگیلویه رخ داد. این خودروی باری به دلیل خواب‌آلودگی راننده از مسیر منحرف شد و پس از سقوط به دره، آتش گرفت. راننده پیش از شعله‌ور شدن کامل خودرو گریته مشخص شد فردی ۳۹ ساله شد، اما به دلیل شدت جراحات وارده به ناحیه سر، جان باخت.

شاهدان همچنین از نبود پوشش آتند دهی تلفن همراه در محل وقوع حادثه خبر دادند که این موضوع روند اطلاع‌رسانی و حضور نیروهای امدادی را با تأخیر مواجه کرد.

داماد کینه جو پدرزنش را کشت

دامادی که پدرزنش را به قتل رسانده بود با حضور بموقع مأموران پلیس در محل حادثه دستگیر شد.

به گزارش ایلنا، سرهنگ علی سبحانی فرمانده انتظامی شهرستان خمینی شهر گفت: «مأموران کلانتری ۱۳ فرماندهی انتظامی شهرستان خمینی شهر در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک مرد قتل بلافاصله در محل حادثه حضور یافتند. در بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته مشخص شد فردی ۳۹ ساله با حضور در منزل پدر همسر خود وی را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده و همسرش را هم که قصد جلوگیری از این کار را داشت از ناحیه سر و صورت با چاقو مجروح کرده است. با دستگیری متهم وی در تحقیقات صورت گرفته انگیزه خود از این اقدام را اختلاف خانوادگی با پدر همسر خود عنوان کرد که در این خصوص پرونده تشکیل و وی برای انجام اقدامات قانونی و رسیدگی به جرم خود تحویل مرجع قضایی شد.

کلاهبرداری ۱۰۰ میلیارد ریالی با یک مرغداری

فرمانده انتظامی لرستان از دستگیری کلاهبرداری که با جعل اسناد در شهرستان بروجرد اقدام به تصاحب یک واحد مرغداری به مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال کرده بود، خبر داد.

سردار یحیی الهی گفت: «در پی مراجعه شهروندی به پلیس آگاهی بروجرد و اعلام اینکه یک نفر با ترفندهای متقلبانه با تهیه اوراق جعلی مرغداری وی را تصاحب کرده است، بررسی موضوع در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران با انجام کارهای اطلاعاتی متهم را در بروجرد شناسایی و با هماهنگی قضایی وی را در مخفیگاهش طی عملیاتی ضربتی دستگیر کردند. متهم در تحقیقات صورت گرفته به جرم خود مبنی بر کلاهبرداری ۱۰۰ میلیارد ریالی از شاکی اعتراف کرد و همراه پرونده تحویل مراجع قضایی شد.

به گزارش فرماندهی انتظامی لرستان، سردار الهی بیان کرد: «شهروندان قبل از انجام هرگونه معامله از انعقاد قرار داد با افرادی که بدون مدرک معتبر خود را مالک یا نماینده مالک معرفی می‌کنند خودداری و از صحت اسنادی که ارائه می‌شود اطمینان لازم را کسب کنند.



۹۵ متهم در طرح پلیس آگاهی پایتخت دستگیر شدند

فرار از زندان به سبک اسکافیلد!

گروه حوادث: مرضیه همایونی / آخرین طرح پلیس برای مبارزه با سارقان و مالخارن به دستگیری ۹۵ متهم منجر شد که هر کدام جرایم زیادی در پرونده خود دارند. از سارقی که عاشق شهرت بود تا مرد محکوم به قصاص که پس از بخشش و آزادی دوباره راه سرت را در پیش گرفت.



زبان‌ها باشد و حتی از روی زندگی ام فیلم بسازند. من واقعاً باهوش هستم حتی با هوش‌تر از مایکل اسکافیلد سریال فرار از زندان.

برگشته از مرگ

کلکسیونر از جرایم را در پرونده خود دارد و آخرین بار به جرم قتل تا پای چوبه دار رفته و در آخرین دقایق اولیای دم او را بخشیدند اما بازهم توبه نکرده و همچنان به کارهای خلافش ادامه می‌دهد.

به چه جرمی یازداشت شدی؟ نقشه فراتر چه بود؟ من موقع فرار از دست پلیس با موتور زمین خوردم و بشدت زخمی شدم و برای درمان به بیمارستان منتقل شدم. در بیمارستان از خواب سربازی که مراقبم بود سوءاستفاده کرده و فرار کردم. خودم را بدون سر و صدا به موتورخانه بیمارستان رساندم و از آنجا از روی دیوار پریدم و به ساختمان کنار بیمارستان رفتم و بعد هم که فرار کردم.

مگر زخمی نبودی؟ چرا خیلی سخت بود. پایم آسیب دیده بود و بشدت درد می‌کرد اما تحمل کردم تا نقشه‌ام را اجرا کنم.

چطور دستگیر شدی؟ ۸ ماهی فراری بودم و با هویت جعلی زندگی می‌کردم. حتی می‌خواستم از ایران خارج شوم و به ترکیه بروم و از آنجا به یونان آرزو دارم مثل اشرف پروانه زندانی مشهور و ماجرای فرارش سناریوی فیلم‌ها شود.

چه شد تصمیم به سرت گرفت؟ ناخواسته وارد این ماجرا شدم. اما به محض اینکه دستگیر شدم با خودم فکر کردم باید از زندان فرار کنم.

چرا پیدای فرار می‌کردی؟ به خاطر اینکه مشهور شوم. مثل اشرف پروانه که به خاطر فرارهایش از زندان مشهور شد. یا مثل مایکل اسکافیلد در سریال فرار از زندان.

از شهرت خوشم می‌آید و دلم می‌خواهد همه مرا باهوش و زیرک بدانند.

نقشه فراتر چه بود؟ من موقع فرار از دست پلیس با موتور زمین خوردم و بشدت زخمی شدم و برای درمان به بیمارستان منتقل شدم. در بیمارستان از خواب سربازی که مراقبم بود سوءاستفاده کرده و فرار کردم. خودم را بدون سر و صدا به موتورخانه بیمارستان رساندم و از آنجا از روی دیوار پریدم و به ساختمان کنار بیمارستان رفتم و بعد هم که فرار کردم.

چرا خیلی سخت بود. پایم آسیب دیده بود و بشدت درد می‌کرد اما تحمل کردم تا نقشه‌ام را اجرا کنم.

چطور دستگیر شدی؟ ۸ ماهی فراری بودم و با هویت جعلی زندگی می‌کردم. حتی می‌خواستم از ایران خارج شوم و به ترکیه بروم و از آنجا به یونان آرزو دارم مثل اشرف پروانه زندانی مشهور و ماجرای فرارش سناریوی فیلم‌ها شود.

چه شد تصمیم به سرت گرفت؟ ناخواسته وارد این ماجرا شدم. اما به محض اینکه دستگیر شدم با خودم فکر کردم باید از زندان فرار کنم.

چرا پیدای فرار می‌کردی؟ به خاطر اینکه مشهور شوم. مثل اشرف پروانه که به خاطر فرارهایش از زندان مشهور شد. یا مثل مایکل اسکافیلد در سریال فرار از زندان.

جرأت نمی‌کردند به او اعتراض کنند اما من که قدیمی زندان بودم برای زور داشت که یک تازه وارد این رفتار را با من داشته باشد. به همین دلیل چند باری دعوایمان شد و روز حادثه فحاشی کرد و من هم که خیلی عصبانی شده بودم با او درگیر شده و با چاقوی دست ساز چند ضربه به او زدم. اینطور شد که اتهام قتل نیز به پرونده‌ام اضافه شد.

اولیای دم تو را بخشیدند؟

بله، اگر چه اصلاً تصورش را نمی‌کردم که اولیای دم چنین لطفی در حقم کنند. چند نفر از هم سلولی‌هایم بعد از آزادی به سراغ خانواده مقتول رفتند و در نهایت روزی که پای چوبه دار رفتم تا حکم اجرا شود و حتی طلب دار نیز به گردنم آویخته شد اما در دقیقه ۹۰ اولیای دم بدون هیچ شرطی گذشت کردند.

این اتفاق باعث نشد که توبه کنی و دور کار خراف را خط بکشی؟

اعتیاد و وضعیت نامناسب مالی باعث شد که دوباره سرت را شروع کنم. گرچه خودم فکر می‌کنم با این کارم دارم خودم را تنبیه می‌کنم و از خود انتقام می‌گیرم.

چرا؟ من زندگی بدی داشتم سه سالم بود که پدر و مادرم از هم جدا شدند و ۱۳ سالم بود که به خاطر سرت راهی کانون اصلاح و تربیت شدم.

توصیه ات به شهروندان چیست؟ به هشدارهای پلیسی توجه کنند در خیابان گوشی به‌دست نباشند و از هندزفری استفاده کنند. از پیاده‌رو عبور کنند و تلفن را در سمنی بگیرند که دیوار است.

پیشنهاد به شرمانه به جنایت ختم شد

گروه حوادث / پسر نوجوانی که مدعی است به خاطر یک پیشنهاد بی‌شرمانه از سوی دوستش دست به قتل زده است، بزودی در دادگاه محاکمه خواهد شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مهر سال ۱۴۰۲ گزارش درگیری خونین در یکی از بوستان‌های شهریار به پلیس اعلام شد. در ادامه مأموران به محل اعزام شدند و مشخص شد در جریان درگیری، پسر ۲۵ ساله‌ای به نام مهران بشدت مجروح شده است.

پیکر نیمه‌جان مهران به بیمارستان منتقل اما ساعتی بعد به علت شدت جراحات وارده تسلیم مرگ شد.

با مرگ پسر جوان تحقیقات برای شناسایی عامل یا عاملان درگیری آغاز شد. پلیس با حضور در محل جنایت با تحقیقات میدانی و گفت‌وگو با شاهدان درگیری، دریافت که عامل قتل پسر ۱۷ ساله‌ای به نام نیما و دو دوستش به نام‌های بهنام و کریم بوده‌اند.

در ادامه هر سه متهم بازداشت و به پلیس آگاهی منتقل شدند. نیما در بازجویی‌ها به درگیری با مهران اعتراف کرد و گفت: «من و مهران با هم دوست بودیم، اما او روز حادثه بعد از خوردن مشروب به من پیشنهاد بی‌شرمانه‌ای داد که خیلی مرا عصبی کرد و من از روی

قتل مرد ۸۰ ساله به خاطر پول رهن خانه

ایران کسی را نداشته و فرزندانش در خارج از کشور بودند که پس از فوت پدرشان به کشور بازگشتند و شکایت کردند. اکنون پرونده در شعبه اول دادسرای جنایی مفتوح و در حال رسیدگی است.



گروه حوادث / پلیس، مرد میانسال را که به خاطر اختلاف بر سر مبلغ رهن یک خانه پیرومرد ۸۰ ساله را کشته بود، پس از یک هفته دستگیر کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، هفته گذشته خبر قتل مردی ۸۰ ساله در خانه‌اش به پلیس اعلام و پرونده‌ای در شعبه اول دادسرای امور جنایی تهران به ریاست قاضی اختیاری تشکیل شد.

با شروع تحقیقات، عامل قتل که مردی ۵۲ ساله بود شناسایی و دستگیر شد. متهم در اعترافاتش گفت: «با همسرم اختلاف پیدا کرده بودم و برای اینکه جدا زندگی کنم به دنبال رهن یک خانه بودم. در سایت‌های اینترنتی یک خانه پیدا کردم و با صاحبخانه تماس گرفتم. وقتی خانه را دیدم، به صاحبش که مردی ۸۰ ساله بود مبلغی را پیشنهاد دادم اما صاحبخانه قبول نمی‌کرد. یک شب با صاحبخانه قرار گذاشتم و به در منزل او رفتم اما باز هم بر سر مبلغ رهن جر و بحث کردیم و در نهایت با چاقو او را زدم.»

پس از این حادثه، پیرومرد به بیمارستان منتقل و سه روز بعد فوت شد. در ادامه بررسی‌ها، مشخص شد مقتول در